

(وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِيمَا يُخْبِرُ بِهِ عَنِ الْمَلَا حِمِ بِالْبَصْرَةِ: يَا أَحْنَفُ، كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ سَارَ بِالْجَيْشِ الَّذِي لَا يَكُونُ لَهُ غَبَارٌ وَلَا لَجَبٌ، وَلَا قَعْقَعَةٌ لُجْمٍ، وَلَا حَمْحَمَةٌ خَيْلٍ، يُثِيرُونَ الْأَرْضَ بِأَقْدَامِهِمْ كَأَنَّهَا أَقْدَامُ النَّعَامِ. قَالَ السَّيِّدُ الشَّرِيفُ: يَوْمَئِذٍ بِذَلِكَ إِلَى صَاحِبِ الزَّنَجِ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَيَلُّ لِسِكَاكِكُمُ الْعَامِرَةَ، وَ الدُّورِ الْمُزَخْرَفَةَ الَّتِي لَهَا أَجْنِحَةٌ كَأَجْنِحَةِ النُّسُورِ، وَ خَرَاطِيمٌ كَخَرَاطِيمِ الْفَيْلَةِ مِنْ أَوْلِيكَ الَّذِينَ لَا يَنْدَبُ قَتِيلَهُمْ، وَلَا يُفْقَدُ غَائِبُهُمْ. أَنَا كَابُ الدُّنْيَا لَوَجْهِهَا، وَ قَادِرُهَا بِقَدْرِهَا، وَ نَاطِرُهَا بِعَيْنِهَا.

مِنْهُ وَ يَوْمَئِذٍ بِهِ إِلَى وَصْفِ الْأَتْرَاكِ: كَأَنِّي أَرَاهُمْ قَوْمًا كَأَنَّ وَجُوهَهُمُ الْمَجَانُّ الْمُطْرَقَةُ، يَلْبَسُونَ السَّرَقَ وَ الدِّيْبَاجَ، وَ يَعْتَقِبُونَ الْخَيْلَ الْعِتَاقَ، وَ يَكُونُ هُنَاكَ اسْتِحْرَارُ قَتْلِ حَتَّى يَمْشِيَ الْمَجْرُوحُ عَلَى الْمَقْتُولِ، وَ يَكُونُ الْمُفْلِتُ أَقْلٌ مِنَ الْمَأْسُورِ. فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ: لَقَدْ أُعْطِيتَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عِلْمَ الْغَيْبِ! فَضَحِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ قَالَ لِلرَّجُلِ وَ كَانَ كَلْبِيًّا: يَا أَخَا كَلْبٍ لَيْسَ هُوَ بِعِلْمِ غَيْبٍ وَ إِنَّمَا هُوَ تَعَلُّمٌ مِنْ ذِي عِلْمٍ، وَ إِنَّمَا عِلْمُ الْغَيْبِ عِلْمُ السَّاعَةِ، وَ مَا عَدَدَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِقَوْلِهِ: إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ الْآيَةَ فَيَعْلَمُ سُبْحَانَهُ مَا فِي الْأَرْحَامِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى، وَ قَبِيحٍ أَوْ جَمِيلٍ، وَ سَخِيٍّ أَوْ بَخِيلٍ، وَ شَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ، وَ مَنْ يَكُونُ فِي النَّارِ حَطْبًا، أَوْ فِي الْجَنَانِ لِلنَّبِيِّينَ مُرَافِقًا. فَهَذَا عِلْمُ الْغَيْبِ الَّذِي لَا يَعْلَمُهُ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ، وَ مَا سِوَى ذَلِكَ فَعِلْمُ اللَّهِ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَعَلَّمَنِيهِ، وَ دَعَا لِي بِأَنْ يَعِيَهُ صَدْرِي، وَ تَضَطَّمَ عَلَيْهِ جَوَانِحِي.

فتنه‌های بصره

پیشگویی امام (ع) نسبت به حوادث مهم شهر بصره

ای احنف! گویا من او را می‌بینم که با لشگری بدون غبار و سر و صدا، و بدون حرکات لگامها، و شیهه اسبان، به راه افتاده، زمین را زیر قدمهای خود چون گام شترمرغان درمی‌نوردند، پس وای بر کوچه‌های آباد و خانه‌های زینت‌شده بصره که بالهایی چونان بال کرکسان و ناودانهایی چون خرطومهای پیلان دارد. وای بر اهل بصره که بر کشتگان آنان نمی‌گیرند، و از گمشدگانشان کسی جستجو نمی‌کند، من دنیا را برو، بر زمین کوبیده و چهره‌اش را به خاک مالیدم، و بیش از آنچه ارزش دارد، بهایش نداده‌ام، و با دیده‌ای که سزاوارست به آن نگریسته‌ام.

وصف ترکهای مغول.

گویا آنان را می‌بینم با رخساری چونان سپرهای چکش خورده، لباسهایی از دیباج و حریر پوشیده، که اسبهای اصیل را یدک می‌کشند و آنچنان کشتار و خونریزی دارند که مجروحان از روی بدن کشتگان حرکت می‌کنند و فراریان از اسیرشدگان کمترند. (یکی از اصحاب گفت: ای امیرمومنان تو را علم غیب دادند؟ امام (ع) خندید و به آن مرد که از طایفه بنی کلب بود فرمود: جایگاه علم غیب.

ای برادر کلبی! این اخباری که اطلاع می‌دهم غیب نیست، علمی است که از دارنده علم غیب (پیامبر (ص)) آموخته‌ام، همانا علم غیب علم قیامت است، و آنچه خدا در گفته خود آورده که: (علم قیامت در نزد خداست، خدا باران را

نازل کرده و آنچه در شکم مادران است می‌داند، و کسی نمی‌داند که فردا چه خواهد کرد؟ و در کدام سرزمین خواهد مرد؟) پس خداوند سبحان! از آنچه در رحم مادران است، از پسر یا دختر، از زشت یا زیبا، سخاوتمند یا بخیل، سعادت‌مند یا شقی آگاه است، و آن کسی که آتشگیره آتش جهنم است یا در بهشت همسایه و دوست پیامبر (ص) است، از همه اینها آگاهی دارد، این است آن علم غیبی (ذاتی) که غیر از خدا کسی نمی‌داند. جز اینها، علمی است که خداوند به پیامبرش تعلیم داده (علم غیب اکتسابی) و او به من آموخته است، پیامبر (ص) برای من دعا کرد که خدا این دسته از علوم و اخبار را در سینه‌ام جای دهد و اعضا و جوارح بدن من از آن پر گردد.